

چرا اجازه پدر در ازدواج دختر شرط است؟

لطافت‌های روحی و ظرافت‌های عاطفی دختر، آنگاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار می‌گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت‌ها و کاستی‌ها را به دنبال دارد، علاوه بر این، چون دختران به خاطر حیا و عزت نفس قوی خود، در ازدواج پیش‌قدم نمی‌شوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت می‌گیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی‌های پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم‌گیری کند. در چنین مواقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه دارد و نیز دارای تجارب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد است، می‌تواند همانند باغبانی دلسوز و کاردان از گل لطیف و ظریف خویش مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد. طبعاً تأکید بر اجازه پدر برای آن است که گاه ممکن است دختری علی‌رغم توصیه‌های پدر، علت خیرخواهی و راهنمایی او را درک نکند. در این صورت، التزام به اجازه پدر، او را از افتادن در دام زندگی ناپایدار و نامطلوب باز خواهد داشت. بنابراین، اجازه پدر، نه تنها محدودیتی برای دختران نیست، بلکه لطفی از جانب خداوند برای آنان است؛ زیرا در بیشتر موارد نظر پدر و دختر یکی می‌شود. تنها در صورت عدم توافق است که ازدواج منتفی می‌شود. البته در این صورت هم، یا به صلاح دختر و یا خلاف مصلحت اوست. اگر تصمیم پدر خلاف مصلحت باشد، دختر می‌تواند با کمک بستگان پدر را قانع کند و اگر پدر استبداد ورزد و به مصلحت فرزند توجه نکند (که البته بسیار استثنایی و نادر است)، مراجع قانونی حق دختر را به وی باز خواهند گرداند.

ازدواج موقت:

ازدواجی است که در آن مرد و زن، به دلایلی از جمله پرهیز از عمل حرام، با هم قرار می‌بندند که محرم یکدیگر باشند و برای مدتی معین، به‌طور مشترک زندگی کنند و پس از رفع تنگناها از هم جدا شوند و هر کدام راه زندگی خود را در پیش گیرند.

اسلام می‌داند که برخی افراد جامعه به عللی نمی‌توانند به تشکیل خانواده و به ازدواج دائم تن دهند و به همین علت تحت فشار و در تنگنا قرار می‌گیرند؛ اسلام برای حل چنین مشکلی اندیشیده و ازدواج موقت را تصویب کرده است. دلیل این نوع ازدواج را همان‌گونه که به اختصار یادآور شدیم، می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: پیشگیری از انحراف کسانی که راهی برای نجات از تنگناها و فشار غریزی ندارند؛ یعنی تا قبل از ازدواج دائم قادر به کنترل و حفظ عفاف خود نیستند و احتمال بسیاری وجود دارد که کارشان به گناه کشیده شود.

تذکره: در اسلام اصل بر ازدواج دائم است، نه موقت. ازدواج موقت، راهی برای حل مشکل به صورت کوتاه مدت است نه راهی همیشگی. رابطه ازدواج دائم و ازدواج موقت مثل رابطه غذا و داروست. آنچه به‌طور مستمر استفاده می‌شود غذا است و آنچه به ندرت و ضرورت به کار می‌رود، داروست. به همین جهت، ازدواج موقت نباید به صورتی درآید که مانعی برای ازدواج دائم یا موجب بی‌رغبتی مردم نسبت به آن شود و یا به اصطلاح عامیانه بازار ازدواج دائم کساد شود.

این حکم اغلب برای کسانی قرارداد شده است که راهی به ازدواج دائم ندارند^۱ و تحت فشار غریزی هستند. بنابراین، هوی و هوس نمی‌تواند موجبی برای روی آوردن به آن باشد.

احکام ازدواج موقت:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، به نقل از امام کاظم (ع).

۱. علاوه بر لزوم ذکر شدن مدت این ازدواج به هنگام عقد، مسئله مهریه در این ازدواج نیز مطرح است که طبعاً براساس توافق طرفین تعیین می شود.
۲. بر اساس نظر عموم فقها اجازه و اذن پدر در این ازدواج نیز برای دختران شرط است.
۳. بلوغ شرعی طرفین شرط است.
۴. طرفین می توانند درباره میزان بهره مندی از یکدیگر شروطی را بگذارند. یعنی می توانند با هم قرارداد داشته باشند که مثلاً آمیزش جنسی صورت نگیرد و مرز روابطشان در حد دیدار، معاشرت و ... باشد یا اینکه میزان ارتباطشان در حد همه اموری باشد که در ازدواج دایم نیز مطرح است.
۵. اگر در اثر آمیزش کودکی متولد شد مانند ازدواج دایم، مرد مسئول اداره و تأمین مخارج کودک می باشد، اگرچه مدت عقد آنها به سر آمده باشد.
۶. در این ازدواج بر خلاف ازدواج دایم، مرد مسئول پرداخت نفقه یا تأمین هزینه برای همسر نیست، مگر در ضمن عقد شرط شود.
۷. در ازدواج موقت، زن و مرد از یکدیگر (در صورت مرگ) ارث نمی برند، مگر با شرط توافق.
- ۸- بعد از به پایان رسیدن مدت عقد، زن و شوهر خود به خود از هم جدا می شوند و نیازی به طلاق نیست. ولی اگر آمیزش جنسی صورت گرفته باشد، زن باید عده نگه دارد. یعنی پس از پایان یافتن مدت ازدواج، فوراً نمی تواند با فردی دیگر عقد مجدد برقرار کند و باید به میزان گذشتن دو بار عادت ماهانه صبر کند.
- ۹- زن و مرد، با توافق یکدیگر می توانند برخی از شرایط قبلی را لغو و ارتباطاتی را برای یکدیگر مجاز یا از هم منع کنند.

صیغه عقد ازدواج موقت

برای محرم شدن زن و مرد به یکدیگر باید صیغه عقد موقت میان آنان توسط خودشان یا وکیل خوانده شود.

این صیغه در زبان عربی به این شکل است که زن می گوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ ، عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

و مرد در جواب می گوید: قَبِلْتُ

یا به زبان فارسی زن می گوید: « خود را همسر تو برای مدت معلوم قرار دادم با مهریه تعیین شده» و مرد می گوید:

«قبول کردم».